



په اروپا کی دمیشته افغانانو د تولنو فدراسیون

فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

### سه دهه خشونت، وابستگی و بربادی، پیامد هفت ثور و ادامه هشت ثور!

هالند، پنجم ثور 1387

سی سال از کودتای شوم هفت ثور 1357 که مبدأ سه دهه خشونت، وابستگی و بربادی برای مردم و کشور ما است میگذرد. این کودتا زاده تصمیم فردی امین قاتل نبوده بلکه به استناد یادداشت های منتشره سلطانعلی کشتمند، حزب "واحد" د.خ. ا بود که بعد از مرگ میراکبر خیبر تصمیم گرفته بود که در صورت مورد حمله قرار گرفتن رهبری حزب از طرف دادود خان دست به کودتا بزند. بناً حفیظ الله امین که عملاً رهبری کودتای بدفرجام ثور را بعهدہ داشت، فقط تصمیم دسته جمعی حزب را عملی نمود. در نتیجه به جرئت میتوان ادعا کرد که مسوولیت سیاسی و تاریخی کودتای بر بادکننده هفت ثور و پیامد های شوم آن بدوش حزب "واحد" دموکراتیک خلق افغانستان بریاست نورمحمد تره کی و معاونیت ببرک کارمل میباشد. تاریخ و ملت ما این حزب وابسته را که مسوولیت مستقیم جنایات وسیع و بیشماری را بحساب حاکمیت چهارده ساله خویش بدوش دارد، برای ابد از دامان خویش ترد کرده است.

رهبران حزب "واحد" دموکراتیک خلق افغانستان (بیروی سیاسی و کمیته مرکزی) لکه ننگ دعوت ارتش اشغالگر و تباہکار روس را برای همیشه در جبین خویش حمل خواهند کرد. چوکی متهم در محکمه جنایات جنگ جای مناسب برای آنعده از هفت ثوری هاست که در چهارده سال حاکمیت این حزب مسوولیت سیاسی داشته و در موقف پالیسی ساز اجرای وظیفه کرده اند. جنایات انجام شده در چهارده سال حاکمیت حزب "واحد" بیشمار است. نمونه این جنایات عبارتست از نابودی پنج هزار قریه و باشندگان آن، قتل یک ونیم میلیون افغان، معیوب شدن نیم میلیون و مهاجرت اجباری هشت میلیون هموطن ما، نابودی اقتصادزراعتی کشور، فرش ده میلیون ماین ضد پرسونل در قراً و قصبات کشور، حزبی ساختن اردوی ملی و پولیس، دستگیری، شکنجه و مجازات شدید و بیرحمانه صد ها هزار مخالف سیاسی و بالاخره ایجاد ده ها گور دسته جمعی از مخالفین سیاسی این ضرورت تاریخی را بوجود می آورد که بر علاوه رهبران فوق الذکر جنرالان، افسران عالی رتبه قوای مسلح و افسران و کارمندان خاد که در تیم های تعقیب و دستگیری، مربوطات ریاست تحقیق خاد و محابس کشور بحیث مستنطق (شکنجه گر) و خارنوالهای اختصاصی "انقلابی" و قضات محکمه قلابی اختصاصی "انقلابی" کار کرده اند در برابر محکمه عادلانه و واقعی از اعمال گذشته خویش جواب بدهند.

نجیب الله بنیادگذار و رییس دستگاه جهانی خاد و قصاب مشهور در آخرین روز های حاکمیت خویش اسناد تحریری جنایات خود و سایر رفقای خادیت خویش را نابود کرد. او میدانست که جوی های خون جاری شده توسط رژیم تحت رهبری حزب د.خ.ا بزودی نمیخشد و رفقایش

زمانی بپای میز محاکمه کشانیده خواهند شد. نبودن اسناد مذکور، بی اراده گی حکومت کرزی در قسمت تطبیق عدالت انتقالی و تصویب منشور خاینانه عفو در "ولسی" جرگه، برای افراد فوق الذکر سرابی را بوجود آورده است که خطر محاسبات گذشته را منتفی میندازند و برای احیای میراث ارزشمند رفقای فقید کارمل و بریالی "هیاهوی انترنتی را براه انداخته اند. اینها غافل ازین امر اند که دخول مجدد بزندگی سیاسی کشور مستلزم شرایط زیاد است. نخست باید به ملت از اعمال گذشته خود جواب بدهند و مسوولین جنایات را تجرید و بررسی دوسیه شان رابه نزدیکترین مقامات عدلی و گذارکنند. در قدم بعدی دوران جنایتبار حاکمیت ح.د.خ.ا و پایه فکری خشونت رامحکوم نموده و از آن علناً و رسماً فاصله بگیرند. اینست راه اصولی برای بازگشت مجدد افراد صاحب مقام رژیمهای سه دهه اخیر به سیاست. راه دیگر شیوه ایست که هشت ثوری ها و عده از جنرالهای ح.د.خ.ا انتخاب کرده اند. یعنی گریز جبهه از عدالت، دفع الوقت، تشکیل مافیا در حکومت و پارلمان، بازی مجدد با سرنویشت وطن و مردم و ادامه ارتکاب جرایم ببرک کارمل یکی از رهبران ح.د.خ.ا که توسط روسها بقدرت رسانیده شد در زمان قدرت خود اعتقاد به دوستی اتحاد شوروی را شرط وطنپرستی میدانست ولی در سال 1995 با درس گیری از تجارب خویش به مصطفی دانش خبرنگار ایرانی چنین گفت:

"بزرگترین درسی که در زندگی گرفتم اینست که هیچ کشوری نمیتواند به اتکای نیروی خارجی به آزادی، استقلال و پیشرفت دست یابد. باید به اراده مردم احترام گذاشت."

درین دوجمله اشتیاقات اساسی ح.د.خ.ا حین اتخاذ تصمیم کودتا دقیقاً نشانی شده است. حزب "واحد" در محاسبات خویش اراده مردم را نادیده گرفته و به اتکای نیروی خارجی تصمیم به کودتا گرفته بود. در نخستین سال بقدرت رسیدن ح.د.خ.ا مردم عملاً مخالفت خود را با رژیم کودتا نشان دادند. هرگاه ح.د.خ.ا همانوقت اشتباه خود را میپذیرفت و بعبوض سرکوب مردم به اراده شان احترام میگذاشت، از سه دهه خونریزی و تبهکاری جلوگیری شده میتوانست. تا آقای کارمل حقیقت فوق الذکر را بالای وطن و مردم خود تجربه کرد برای اصلاح امور ناوقت شده و کنترل اوضاع از دست افغانها خارج شده بود. سیاه روز هشت ثور، استبداد عقبگرای طالبی و برهم ریختگی شیرازه زندگی مردم که اکنون هم ادامه دارد در فاجعه هفت ثور ریشه دارد.

کمیته حقوق بشر FAROE

